

- در محضر بزرگان

توهم بی نیازی از مغفرت خداوند

استاد شهید مطهری درباره احقانه ترین حرفی که یک انسان ممکن است درباره رابطه اش با خداوند متعال بزند، می گویند:

«عه ای از اطرافیان مرحوم آقای بروجردی (رضوان ا... علیه) که در لحظه فوتشان حضور داشتند، گفتند که ایشان یک حالت غمناکی به خود گرفته و بعد گفته بود: «رفتم و عملی انجام ندادیم، رفتم و دست خالی رفتم». یکی از اطرافیان گفته بود: «آقا شما این حرف را می زنید؟! شما دیگر چرا؟! شما الحمدلله کسی هستید که حوزه علمیه را احیا کردید، شما چقدر مسجد ساختید، چقدر مدرسه ساختید، چنین کردید، چنان کردید.» ایشان حرفی نزد جز یک جمله ای که در حدیث است، فرمود: «خلص القمل فانَّ القاذِئَ بَصیرٌ بَصیرٌ» عمل را خالص کن که آن نقد کننده بسیار دقیق و بیناست.» چه اشتباه بزرگی است که انسان چنین توهمی در خیالش پیدا بشود و بگوید که من از مغفرت خدای متعال بی نیازم، ما که کار بدی نکردیم که بخواد ما را بیامرزد، حالا طلب هایمان را می خواهیم از او وصول کنیم. این احقانه ترین حرفی است که یک بنده در مسائل الهی و در رابطه اش با پروردگار بگوید.

برگرفته از کتاب آشنایی با قرآن، ج ۸

- فتو شعر



- غلط ننویسیم

خورش در سته یا خورشت؟

«خورش» اسم مصدر از فعل «خوردن» است که در متون قدیم پارسی به چند معنی به کار رفته است از جمله: «عمل خوردن و چیز خوردنی و نیز نعمت آذوقه» که امروزه هیچ کدام از آن ها رایج نیست. ولی در عوض امروزه به معنای دیگری از این لفظ استفاده می کنند: «غذایی که همراه برنج یا نان خورده می شود.» جالب است بدانید واژه خورش در تداول مردم خورششت گفته می شود و اشکالی ندارد و استفاده از آن اشتباه نیست.

برگرفته از کتاب «غلط ننویسیم، اثر ابوالحسن نجفی»

- حکایت

گرفتن مچ ناشتوا!

شخصی کر بود ولی همیشه دوست داشت که خود را به شنوبی بزند و نمی خواست به کری خود اقرار کند. روزی یکی از دوستانش، او را از دور در کوچه دید. فوری دست ها را به گوش هایش گذارد و چندین بار بی آن که صدایی بکند، دهان خود را باز نمود و لب ها را پی در پی تکان داد. آن شخص کر، دوان دوان نزدوی آمد و اعتراض کتان گفت: «این چه عقیده باطلی است که درباره من پیدا نموده ای؟ گمان می کنی گوش من سنگین است که برای صدا کردن در ملا عام این همه داد و فریاد می زنی؟»

منبع: کشکول طبسی، اثر «علینقی طبسی»

- یادش بخیر



- اندک صبر

پرواز!

برای پرنده ای که نمی خواهد پرواز کند وزنه ای است بال که بر تن سنگینی می کند

علیرضاروشن

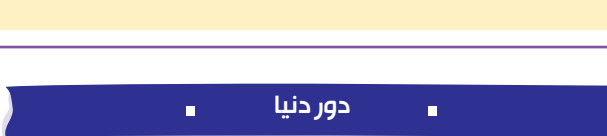
دور دنیا

لباس گیلانی، شادترین لباس جهان شد

عصر ایران | لباس های محلی گیلان به عنوان شادترین لباس جهان معرفی شد. امسال جشنواره لباس نیویورک میزبان لباس های زیادی از کشور های مختلف جهان بود و در بین آن ها لباس های مختلف قوم های ایرانی هم دیده می شد. یکی از لباس هایی که مورد توجه افراد گوناگونی قرار گرفته بود، لباس مردم گیلان بود. در این جشنواره لباس گیلانی به عنوان شادترین لباس جهان انتخاب شد.



صومعه در یونان موقعیت قرار گیری صومعه Roussanou به گونه ای است که هر بیننده ای را به فکر وا می دارد، چرا که در عمل زندگی در این شرایط بسیار سخت به نظر می رسد. ارتفاع متوسط این مجموعه به شکلی باورنکردنی ۳۱۳ متر است. این صومعه در قرن شانزدهم بنا شده و راهبه ها تاکنون در آن ساکن هستند.



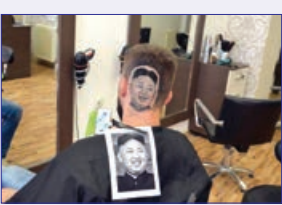
آدیتی سنترال، «درک رابلو» علاوه بر این که یکی از موفق ترین موز سواران دنیاست و سابقه موز نوری در آب های خروشان هاولی را دارد، تنها موز سوار نایبای دنیاست که به صورت حرفه ای این ورزش را دنبال می کند. این ورزشکار ۲۴ ساله به صورت مادرزادی نایبنا به دنیا آمده است. با این حال والدین او تاکید زیادی داشتند تا او این ورزش را با وجود معلولیت اش ادامه دهد و از نظر آن ها پسرشان آن قدر با استعداد هست که نایبنا بودنش بر موقعیت اش بی تاثیر باشد.

تنها موز نور د نایبنا ی دنیا!



دیلی میل «ماربو هول» آرایشگر معروف صربستانی به خاطر طراحی پرتره رهبر کشور کره شمالی روی سر مشتریانش به تازگی حسایی مشهور شده است. اما این آرایشگر، طراحی پرتره و تتوی چهره افراد مشهور روی سر مشتریانش را چهار سالی است که شروع کرده است. برخی مشتریان او از مدل موهای تکراری خسته شده اند و ترجیح می دهند روی سر خود تتو کنند! او با مهارت تمام، چهره افراد مشهور و محبوب این اشخاص را روی سرشان تتو می کند!

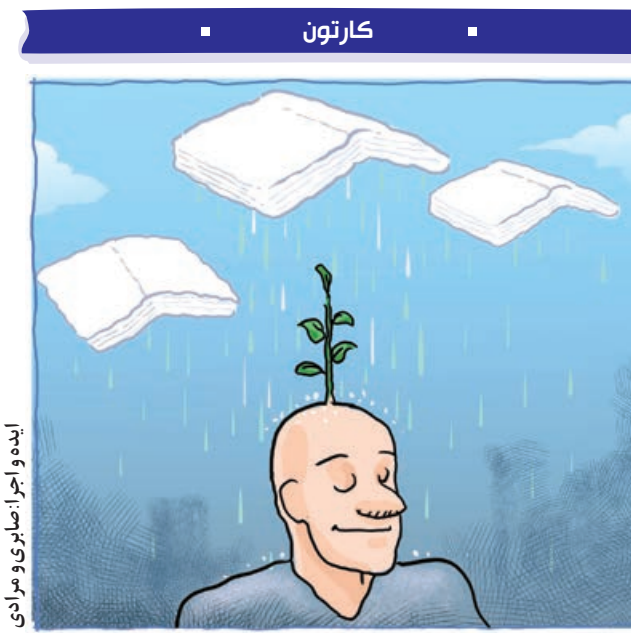
زنی که کابوس نامزد سابقش شد!



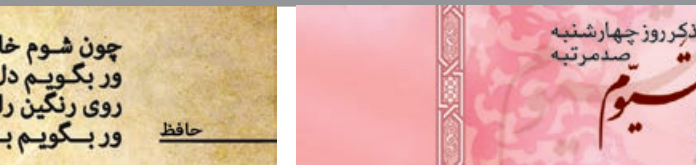
آدیتی سنترال، «لورن آدلی» وقتی با میچل لویید ۲۲ ساله آشنا شد، تنها ۲۰ سال داشت. نامزدی این زوج جوان انگلیسی چند ماه بیشتر دوام نداشت اما از دو سال گذشته که از یکدیگر جدا شده اند، زن جوان تمام زندگی اش را وقف این کرده است تا نگذارد نامزد سابقش با هیچ زنی آشنا

شود! او در تمام این دو سال به صورت لحظه ای نامزد سابقش را تعقیب و با انتشار ایمیل های ناشناس خودش را پلیس معرفی کرده و او را تهدید کرده است. این زن چند بار وقتی نامزد سابقش را با یک فرد جدید در محیطی مشغول صحبت دیده، با لباس پلیس وارد شده و آن ها را تهدید به دستگیری کرده است!

- کارتون

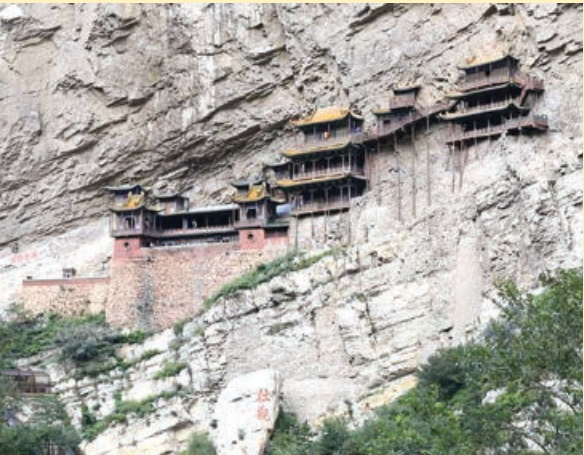


انده واده وایا ناصاروی وایا وی



۵ نمونه از عجیب و غریب ترین سکونتگاه های انسانی

می دانیم که امروز راحت بودن محل زندگی، یکی از مهم ترین ملاک های انتخاب آن ها برای سکونت است، با وجود این، مکان هایی یافت می شود که زندگی در آن عملا غیر ممکن به نظر می رسد. در ادامه این مطلب به شما پنج نمونه از این مکان ها را معرفی می کنیم.



معبد معلق در چین

برای آن دسته از افرادی که ترس از ارتفاع دارند، زندگی کردن در این معبد معلق به طور حتم یکی از ترسناک ترین کار های ممکن است. این معبد در پای کوه واقع شده و در ارتفاع چشمگیر ۵۰ متری آویزان است. علاوه بر این ها، معبد ذکر شده قدمتی به اندازه یک و نیم قرن دارد و سرپا بودن آن نشان می دهد که تکنیک های به کار رفته برای ساخت چنین سازه ای در مکانی این گونه خطرناک، موفق بوده است.



این کیه؟

مسابقه شماره ۵۰

سلام. چهره پازل شده مسابقه این هفته مون با تمام حاشیه هایش، دوست داشتنی است دیگر! با این حال ازتون می خوایم دست به کار بشین و چهره کاریکاتوری این آدم معروف رو تشخیص بدین. روالم مسابقه این جوایزه که شما باید تشخیص بدین کاریکاتور به هم ریخته چاپ شده کیه و اسمش رو تا ساعت ۲۳ فر داپنج شنبه برای ما به شمار ۲۰۰۰۹۹۹ پیامک کنید. جواب رو شنبه همین جا می بینید. بین کسانی که جواب رو درست بفرستن، قرعه کشی می کنیم تا یک نفر به عنوان برنده معلوم بشه. عکس و کاریکاتور برنده رو چهارشنبه هفته دیگه و با مسابقه بعدی، می تونید همین جا ببینید. عکس و کاریکاتوری هم که این بغل می بینید، آقای «امیرضا لوسی» برنده مسابقه هفته پیش هستند. پس تا شنبه منتظر جواب این کاریکاتور باشید و ما هم منتظر پاسخ های شما هستیم.



- گزارش های يك مریخت

گزارش شماره ۱۰: سنگک، نماد رفتارشناسی ز مینی ها

من یک مریخی هستم که به زمین آمده ام. ما آن جا سردمان بود و تصمیم گرفتیم وضعیت زمین و زمینی ها را برای سکونت بررسی کنیم. گزارش های دنباله دار من در این ماموریت را این جا می خوانید. امروز صبح داشتم می رفتم سنگک بخرم که تصادفی شنیدم دو نفر از همسایه ها در طبقه بالا دارند درباره من حرف می زنند. اولی که به صدایش می خورم عباس آقای قدیمی باشد گفت: «این بارو خیلی رو اعصابمه. دوست دارم همین مونوپادم رو برم بکنم تو حلقش، آخه آدم این قدر مثبت» و آن یکی که آقای شماعی پور بود، گفت: «واقعاً من مطمئنم این آدم به خلافی تو کارش هست و گر نه طبیعی نیست آدم این قدر بی آزار باشه». بعد که صحبت هایشان تمام شد، آقای شماعی پور پایین آمد و وقتی مرا دید، گفت: «به به، بهرام خان، آقا چه خوش تیپ شدی امروز» و بعد ادامه داد: «چند دقیقه پیش اتفاقا ذکر خیرت بود، من گفتم همسایه فقط بهرام خان خودمون بعد لب مرا کشید و در حالی که می خواند: «به دونه ای، در دونه ای...» ساختمان را ترک کرد. من یک چیزی که در این مدت فهمیدم این است که این زمینی ها اصولاً عادت ندارند روبه روی هم حرف خودشان را بزنند بلکه به هم پشت می کنند و نظر واقعی شان را می گویند و بعد که روبه روی هم می رسند همان فعل ها و جمله ها را معکوس می کنند. به نظر امگر این زمینی ها بلد بودند درست حرف هایشان را روبه روی هم بزنند خیلی از اتفاق های بد هم نمی افتاد. مثلاً همین روزها دو تا آدم عجیب روی این کره زمین مدام دارند پشت سر هم، یکدیگر را به بمب و موشک تهدید می کنند و برای هم هواپی می زنند توی آقیانوس و آزمایش هسته ای می کنن زنده زمین. مطمئناً اگر این ها بلد بودند حرف هایشان را روبه روی هم بزنند بزرگوار می بودم. الان تن و بدن همه زمینی ها این جوری نمی لرزید. توضیح اضافه: سنگک نوعی نان است که زمینی ها پشتش را با سنگ داغ می کنند و رویش را معمولاً کتجد می پاشند. درست مثل رفتارشان با یکدیگر که پشت سر هم، یکدیگر را با سنگ های جورواجور داغ می کنند و روبه روی هم که می رسند به روی هم کتجد می پاشند.



- دی روزنامه

تجدید یا تهدید آب؟

نشد یک روز ما جوش یک چیزی را از زمین و شب سر راحت به بالین بگذاریم و صبح بدون دغدغه از خواب برخیزیم. یا باید نگران فرزندان مان که به اردو می روند باشیم که زنده و سالم و با دست و پا برگردند. یا باید از ترس غیب شدن دو ریال پس اندازمان در فلان موسسه و بانک، کبیر بزنیم. یا جوش بزنیم که فلان خنداننده و ادا باز در مسابقه رای بیاورد. همه این ها که به خیر بگذرد، باز دلهره کم آبی دست از سرمان برنمی دارد. به ویژه با این گفته رئیس سازمان حفاظت محیط زیست که «ایران با ۱۱۰ درصد استفاده از منابع آبی تجدیدپذیر در شرایط کاملاً بحرانی است و در صورت ادامه این روند تا ۱۵ سال دیگر آبی در کشور باقی نخواهد ماند.»
خب اگر آبی باقی نماند چه خاکی به سرمان بریزیم؟ وقتی گرم مان می شود چطور ی کولر آبی که چکه می کند را روشن کنیم؟ استخر و حوض مان را با چه پر کنیم؟ حیاط و پیاده رو و خودروها را چطور ی بشوییم؟ جگر گوشه هایمان هم دیگر نمی توانند شیلنگ به دست از صبح تا شب توی حیاط و حمام آببازی کنند و افسرده می شوند که!
باز دست آقای جهانگیری، معاون اول رئیس جمهور درد نکند که با صحبت هایش کمی آرام مان کرد. وقتی گفت: «ببرون آمدن از مسئله کم آبی با تبدیل شدن به موضوعی ملی امکان پذیر است.» یعنی اگر همت کنیم این موضوع کم آبی را تبدیل کنیم به یک موضوع ملی، همه چیز حل می شود. هر چند درست نمی دانیم یعنی چه و چه ربطی به ما دارد و چه کاری از ما عوام برمی آید؟ آیا ما باید برویم سدهای کشور را لای روبی کنیم یا روش آبیاری کشاورزان را به روز کنیم یا لوله کشی و تاسیسات آب و فاضلاب را نوسازی کنیم و ...؟
اگر منظور از ملی کردن این چیزهاست که پس لطفاً تکلیف مان را روشن کنید تا کاسه و کوزه هایمان را الان پر آب کنیم، برای فردا که قرار است از تشنگی هلاک شویم. چون هیچ کدام از این کارها از عهده ما برنمی آید. نهایتش بتوانیم به جای هفته ای دو بار، یک بار حمام برویم و ماشین مان را هم با دستمال خشک شویم.
کنیم. شیلنگ را هم از پچه ها بگیریم و با همان تهدیدشان کنیم تا یاد بگیرند، آب قطع است!

علیرضا کاردار

- ماوشما

«درد بر شما از این که سوال پزشکی من را در پرسش و پاسخ زندگی سلام پاسخ دادید. بی نهایت از شما سپاسگزارم. با آرزوی سلامت برای تـك تـك شما. عکس اون اردک و جوجه ها ش در «دنیا به روایت تصویر» چه ناز و دلنشین بود. حال مون خوب شد.

«جمله برند مسابقه چی شده؟»، عالی! آفرین آقای «محمد.ر.» ممنون از متن یادش به خیر بازی هفت سنگ که در بخش «همشهری سلام» چاپ کردین. من رو یاد کودکی ام انداخت که با پچه های محل هفت سنگ بازی می کردیم.

«شعرون در ستون «اندکی صبر» درباره همنشینی با مادر، اشکم رو در آورد. اون هایی که مادرشون زنده است، قسم تون میدم که قدرشون رو بدونین.

«جملات «مادر ترزا» در ستون سخن بزرگان عالی بود.

«اون عکسی که در ستون «دانستی ها» دید، جیم کری نبود، فکر کنم «وال کیلبر» بود.

«ما و شما: تا حدودی شبیه هستن ولی عکس ما درست بود. جواب خفن استرپ رو چاپ نکردین.

«ما و شما: پاسخ خفن استرپ شماره قبل: پشت هم انداز – فرمان پذیر – بر کناری

«دوست عزیزم آقای ناصر رحمتی، ۱۵ شهریور، روز تولدت را تبریک می گویم.

